ایران
زندگی
سال بیست و هشتم ■ شماره ۷۸۸۹ ■ دوشنبه ■ ۲۹ فروردین ۱۴۰۱
۱۶ رمضان ۱۴۴۳ ■ Monday ■ 18 Apr 2022

تا سه سال آینده همه اراضی شالیکاری کشور با قرارداد کشت می‌شود

آغاز اجرای کشت قراردادی برنج

طرح کشت قراردادی برنج در سال زراعی جاری در ۴۰ هزار هکتار از اراضی شالیکاری استان‌های شمالی اجرامی شود و دولت امیدوار است با حمایت‌هایی که در قالب این طرح از کشاورزان می‌شود، بتواند تا ۳ سال آینده تمامی اراضی شالیزاری کشور را زیر کشت قراردادی ببرد. برنج جدید استان‌های گیلان و مازندران تا حدود سه ماه دیگر وارد بازار خواهد شد.

۲۱

۹۷/۵ درصد مساحت ایلام دچار خشکسالی ۱۰ ساله است

مدیرکل هواشناسی ایلام گفت: ۹۷.۵ درصد از مساحت کل استان ایلام از ۱۰ سال گذشته تاکنون به‌صورت متوالی دچار خشکسالی بوده است.
به گزارش ایرنا، ناصر ملکی اظهار داشت: طی ۱۰ سال اخیر ۷۰ درصد از مساحت کل کشور درگیر خشکسالی شده است و ایلام نیز در رده استان‌های با بالاترین میزان خشکسالی قرار دارد.

۲۱

یادداشت

آموزش دیگرپذیری

فرزانه طاهری
مدیر موزه کودکی

در دوران کرونا بسیاری از کودکان به علت قرنطینه از تعامل با یکدیگر محروم مانده‌اند. ما تأثیر این جداافتادگی را در این چند ماهی که مجموعه ما شروع به فعالیت کرده به وضوح شاهد بودیم. پدر و مادرانی هستند که با دلواپسی با ما تماس می‌گیرند و از شرایط و رعایت پروتکل‌های بهداشتی می‌پرسند. جدا از نگرانی‌های والدین ما با کودکانی مواجه هستیم که در شروع کرونا به دنیا آمده‌اند و هنوز در سنینی نیستند که به موزه بیایند و جایی هم نرفته‌اند. این کودکان حدود دو سال و نیم تا سه ساله هستند و بیشتر این زمان را در خانه مانده‌اند، بچه‌هایی که ترس دارند و نمی‌توانند ارتباط بگیرند، در واقع هم مادرها می‌ترسند هم خود بچه‌ها، کودکانی که آنقدر کلماتی مانند «نکن»، «دست نزن» و «نرو» شنیده‌اند که بسیار محتاط شده‌اند و نمی‌توانند تعامل برقرار کنند.
یکی از برنامه‌هایی که برای کودکان داریم اتاق خردسالان است تا بچه‌های کوچک‌تر بتوانند با مادر خود در فضایی جدید بازی کنند، با فضا مأنوس شوند و بعد وارد فضای بزرگتر شوند. در واقع ما تلاش می‌کنیم واسطی باشیم بین فضا، مادر و آن کودک خردسال تا آرام آرام با فضای جدید خو بگیرند و یاد بگیرند چطور در فضاهای جدید و مشترک احساس خوبی را تجربه کنند، با بچه‌های دیگر تعامل کنند، حرف بزنند و بازی‌های دسته جمعی انجام دهند. این کودکان در بازی‌های دسته جمعی دست خود را می‌کشند و ما به دست آنها اسپری ضدعفونی می‌زنیم. در فضای باز می‌گذاریم ماسک داشته باشند و

شروع می‌کنیم به بازی و شاهد این هستیم که ترس‌ها و اضطراب‌ها را در اواسط بازی فراموش می‌کنند و اتفاقات خوبی برای روحیه آنها می‌افتد. زمانی که سازهای کوچک چوبی به آنها می‌دهیم چون جدا از هم و تنها بوده‌اند شروع می‌کنند به کوبیدن انفرادی روی آن. ما به آنها می‌گوییم به بغل دستی خود نگاه کنند و همزمان باهم این کار را انجام دهند. بعد که شروع می‌کنند باهم می‌نوازند به اطراف خود نگاه می‌کنند و یک بچه دیگر و جمع را می‌بینند و با جمع هماهنگ می‌شوند و بعد تجربه‌ای جدید را برای خود رقم می‌زنند.
بچه‌ها وقتی هماهنگ می‌شوند احساس خوبی دارند و دائم به یکدیگر نگاه می‌کنند. وقتی دوباره بازی را تکرار می‌کنیم می‌بینیم بچه‌ها چه هیجان مثبتی دارند. انجام کارهای گروهی در کنار دیگر همسالان و آموزش پذیرش دیگران برای این بچه‌ها بسیار ضروری است. یکبار کودکی که در کلاس‌های ما شرکت داشت همه اسباب‌بازی‌ها را برای خودش برداشته بود و به هیچ عنوان آنها را به دیگران نمی‌داد، گریه می‌کرد و پا می‌کوبید. این نشان می‌داد چقدر این بچه در تنهایی زمان سپری کرده و هیچ‌کس به غیر از خودش را ندیده است. بچه‌ها باید دیدن و نحوه تعامل با دیگران را یاد بگیرند.
ما خودمان هم در روزهای اول همه‌گیری اضطراب داشتیم و نمی‌دانستیم باید چه راهکاری داشته باشیم، نکند در موزه اتفاقی بیفتد، نکند کودکی بیمار شود؟ بعدها راهکارهایی پیدا کردیم و خوشحالیم که حالا با فروکش کردن کرونا فعالیت بیشتری خواهیم داشت. من از پدر و مادرهای زیادی شنیده‌ام که از تأثیر مثبت روحیه کودکان با باز شدن بیشتر مکان‌های آموزشی و فرهنگی گفته‌اند اما این برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در محیطی که کودکان دیگری هم حضور دارند در صورتی خوب است که تداوم داشته باشد. متأسفانه یکی از مسائلی که به غلط در ذهن پدر و مادرها جا افتاده این است که آنها فکر می‌کنند فرزندشان تنها به پارک بازی، سینما و رفتن به رستوران نیاز دارد در حالی که کودکان نیازهای آموزشی متفاوتی دارند مانند بازی‌های گروهی، تعامل با همسالان و تجربه شنیدن قصه و همراه شدن با جمع.

عکس‌ها: علیرضا صوت‌اکبر / ایران

محمد معصومیان
گزارش‌نویس

نتیجه همه‌گیری برای خانواده‌هایی که با فرزند خردسال در قرنطینه ماندند، چیزی نبود جز کودکانی خسته از چهاردیواری خانه؛ فرزندانی که حتی دیگر حوصله بازی با اسباب بازی و عروسک‌های تکراری را ندارند. شیما که به همراه فرزند سه ساله‌اش به موزه کودکی ایرانک آمده، می‌گوید: «نه می‌توانستیم بچه را پارک ببریم نه جایی برای بازی، مگر یک بچه چقدر می‌تواند در خانه فیلم ببیند یا برایش کتاب خواند؟ بیشتر بچه‌هایی که در این دوره خردسالی را گذرانده‌اند مانند فرزند من در جمع ناسازگار هستند.»
دو سال همه‌گیری باعث شد کودکان از مراکز فرهنگی و آموزشی دور بمانند؛ مراکزی که می‌توانستند با برنامه‌های فرهنگی و آموزشی مختص کودکان آنها را با جهان اطراف آشتی دهند. حالا که کرونا اندکی فروکش کرده است شاید زمان مناسبی برای بیرون آمدن کودکان از حصار خانه باشد تا ساعتی در کنار همسالان خود داستان بخوانند، کاردستی درست کنند و کودکی را بشناسند. یکی از این مراکز که داشته‌ها و پژوهش‌های خود را برای آموزش به کودکان و والدین در قالب موزه و برنامه‌های آموزشی ارائه می‌دهد، موزه کودکی ایرانک است؛ جایی که می‌توان در آن سیر تحول آموزش از جهان باستان تا دنیای مدرن را در آن دید.
ظهر خنک بهاری به این موزه در همکف ساختمان آرشیو اسناد ملی می‌رسم. اواسط هفته است و موزه خلوت. یکی از راهنمایان از راه می‌رسد و با حوصله توضیح می‌دهد. او از اهداف احداث این موزه می‌گوید: «در این موزه از کودک چهار ساله به بالا می‌توانند مخاطب ما باشند. ما سعی کردیم نگاهی تاریخی به کودکی داشته باشیم و آن را با نیازهای کودک معاصر تلفیق کنیم. می‌توان گفت تاریخ فرهنگ کودکی را نشان می‌دهیم و گذشته‌ها را به حال گره می‌زنیم. در تلاش هستیم نسل قدیم را با نسل جدید آشتی بدهیم تا با هم حرف بزنند. متأسفانه این نسل با پدر و مادر خود حرف نمی‌زنند چه برسد به پدربزرگ و مادربزرگ. ما می‌خواهیم آنها باهم حرف بزنند و این موزه می‌تواند این کار را بکند. هرچند ما در این موزه یک‌دهم داشته‌های خود را به نمایش گذاشته‌ایم.»
آن طور که در سایت این مجموعه نوشته شده است: «ایرانک (ایران کودکی) یکی از درگاه‌های مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان است که در سال ۱۳۸۵ با نام بانک اطلاعات فرهنگ و ادبیات کودکان ایران راه‌اندازی و رونمایی شد.» محوطه‌ای به وسعت ۸۰۰ متر که قدم زدن در آن و دیدن آثاری که به نمایش گذاشته‌اند حتی برای پژوهشگران این حوزه هم می‌تواند مفید باشد. اما مهم‌ترین مزیت آن شاید این باشد که کودکان را با فرهنگ موزه‌گردی آشنا می‌کند تا در بزرگسالی موزه را مکانی غبار گرفته ندانند؛ موزه هم می‌تواند در کنار آموزش و اطلاع‌رسانی جایی شاد و پویا باشد.
راهنما از شرایط زندگی امروز کودکان و تک افتادگی آنان می‌گوید و معتقد است کودکان می‌توانند در اینجا در تعامل با یکدیگر کار گروهی کنند: «این بچه‌ها فردا روزی باید با یکدیگر این کشور را اداره کنند. آنها باید از سن کم با زندگی در کنار یکدیگر آشنا شوند.» چیدمان موزه بر اساس زمان است؛ از دوران باستان تا انتهای سال ۵۷ با تأکید بر پنج مبحث آموزش و پرورش، نوشت‌افزار کودکان، بازیچه دوره‌های تاریخی، زیست افزارها و ادبیات هر دوره.
یکی از قدیمی‌ترین متونی که در ایران برای تعلیم و تربیت کودکان وجود دارد «درخت آسوریک» یا منظومه درخت خرما و بز است. متنی متعلق به ۳ هزار سال پیش که در آن درخت خرما و بز از مزایای خود برای زندگی انسان می‌گویند. روی استندهای پشت شیشه بخش‌هایی از متن آورده شده است. در فضایی میان موزه با دیوارهایی به نقش درخت خرما کودکان روی حصیری می‌نشینند و با این متن آشنا می‌شوند. در کنار خواندن متن و همکاری کودکان، آنها می‌توانند با ویژگی‌های بز و درخت خرما آشنا شوند. بعد از این برنامه آنها اولین انیمیشن خود را تولید می‌کنند: «از کودکان می‌پرسیم آیا می‌دانند اولین انیمیشن دنیا کجا ساخته شده است؟ بیشتر بچه‌ها از کشورهای خارجی اسم می‌برند و ما آنها را با کوزه‌ای باستانی که ۵ هزار سال قدمت دارد و در شهر سوخته کشف شده آشنا می‌کنیم که نشان می‌دهد اولین نمونه تصویر متحرک یا انیمیشن در ایران ساخته شده و بعد به آنها کوزه‌هایی می‌دهیم تا روی آن نقاشی کنند و اولین انیمیشن خود را بسازند.»
لوح‌های مشق دوران باستان که سه هزار سال قدمت دارد، یکی دیگر از اولین نمونه‌های تعلیم و تربیت است که در قاب شیشه‌ای به چشم می‌خورد. اما اولین اسنادی که بچه‌ها در آن دیده می‌شوند و به عنوان سندی تاریخی به پژوهشگران کمک کرده است، سنگ نگاره‌ها هستند که نمونه‌ای بازسازی شده از آن در موزه وجود دارد. در این تصاویر که حرکت مادها به سمت آشوریان را نشان می‌دهد، کودکانی وجود دارند که مجبور شده‌اند بعد از جنگ ساعت‌ها به همراه پدر و مادر راه بروند: «وقتی کودکان این تصاویر را می‌بینند از آنها می‌پرسیم از کجا می‌فهمند کدام پسر و کدام دختر است؟ در این نقاشی‌ها دختران شبیه مادران و پسران شبیه پدران لباس می‌پوشند. ما از کودکان می‌خواهیم این تطبیق را در تصاویر و مستندات دنبال کنند و ببینند تا کجا ادامه دارد؟»
نمونه‌هایی از «شیرمک»های سفالی که نمونه اولیه شیشه شیر است به صورت نسخه مولاژ (تندیس یا قالب‌های درست شده) را می‌توان دید. کمی جلوتر تصاویری از شاهنامه و نقش کودکان در این اثر مورد بررسی قرار گرفته است؛ از داستان فریدون و زال تا داستان سهراب که بدون پدر بزرگ شد. همین طور پیش می‌رویم و کودکان در تصاویر تغییر شکل می‌دهند. از داستان موش و گربه عبید زاکانی و تصاویر آن می‌گذریم و به مکتب‌خانه می‌رسیم. کودکان دور معلم روی زمین نشسته‌اند و کودکی وسط کلاس پشت میز کوتاهی نشسته است. راهنما توضیح می‌دهد که این تندیس‌ها از روی یک عکس واقعی که روی دیوار است بازسازی شده: «اولین متن‌هایی که در مکتب‌خانه‌ها تدریس می‌شد، قرآن و شرعیات بود اما به مرور به خاطر احتیاج به کارهای اداری می‌بینیم متن‌های دیگری هم اضافه می‌شود.» نمونه‌هایی از اولین دفتر مشق‌ها که حلب‌هایی بودند که روی آن متن نوشته و پاک می‌شد، لوح مشق گلی که روی خاک آن را با انگشت می‌نوشتند در کنار نوشت افزارهای اولیه در ویترین به چشم می‌خورد.
بالاخره به حسن تبریزی یا همان میرزا حسن رشدیه معروف می‌رسیم. کسی که صبح‌ها برای نجات همکلاسی‌ها از ترکه استاد زودتر به مدرسه می‌رفت و به همکلاسی‌ها درس می‌داد. او یکی از کسانی است که شیوه و فضای آموزش در ایران را تغییر داد؛ شیوه آموزش الفبا، تغییر فضای آموزشی و ساعات آموزشی در کنار نوشتن کتاب‌های جدید برای دانش‌آموزان بخشی از کارهای بزرگ این مرد است. نمونه‌هایی از کتاب‌هایی که او نوشته مانند «تحفة‌الصبیان»، «کفایة‌التعلیم»، «نهایة‌التعلیم» در ویترین به چشم می‌خورد. بعد از او نوبت جبار باغچه‌بان می‌رسد که عکسی به سال ۱۳۰۳ از او در کنار دانش‌آموزانش به دیوار آویزان است. آموزگاری با نگاه انسانی که بچه‌ها را درمان می‌کرد و توجه ویژه‌ای به آنان داشت. او آموزگار ناشنوایان بود و الفبای نمادین ناشنوایان را ساخت.
قاب‌های نقاشی با کودکانی درحال بازی‌های دوران قاجاری و عروسک‌هایی با ۱۵۰ سال سن و... اینجا نشانه‌هایی از تغییر

در موزه ایرانک لوح‌های مشق دوران باستان که سه هزار سال قدمت دارد یکی دیگر از اولین نمونه‌های تعلیم و تربیت است که در قاب شیشه‌ای به‌چشم می‌خورد. اما اولین اسنادی که بچه‌ها در آن دیده می‌شوند و به‌عنوان سندی تاریخی به پژوهشگران کمک کرده است، سنگ نگاره‌ها هستند که نمونه‌ای بازسازی شده از آن در موزه وجود دارد. در این تصاویر که حرکت مادها به سمت آشوریان را نشان می‌دهد، کودکانی وجود دارند که مجبور شده‌اند بعد از جنگ ساعت‌ها به همراه پدر و مادر راه بروند

لباس را می‌توان پررنگ‌تر دید. دیگر از بازیچه‌هایی مانند سوت‌سوتک و عروسک‌های ابتدایی و سفالی خبری نیست. عروسک‌ها مدرن می‌شوند اما هنوز هم عروسک‌های مردم‌ساز، آیینی و عروسک‌هایی را که با دورریز پارچه ساخته شده‌اند، می‌توان دید. در اتاق انتهای موزه برای کودکان خیمه‌شب‌بازی و سایه بازی ترتیب داده‌اند و اولین کتاب متحرک و سه بعدی ایرانی لیلی تقی‌پور که در سال ۱۳۳۷ درست شده در معرض دید است و کتاب‌ها با صحافی جدید و گرافیک تازه جای کتاب‌های دستنویس نشسته‌اند.
آنقدر در این موزه جزئیات وجود دارد که نوشتن از همه آنها غیرممکن است. تا اینجا تازه نیمی از موزه را پشت سر گذاشته‌ام و از این به بعد همه چیز رنگ و بوی جدیدی به خود می‌گیرد. اسباب بازی‌های پلاستیکی وسترن و پلیسی که از خارج کشور آمده‌اند در کنار قارقارک و وغ‌وغ صاهاب و تیله‌های سنگی دست‌ساز نشان دهنده آخرین روزهای زندگی سنتی در ایران است. ایستگاه مطالعه برای کودکان با کتاب‌هایی که همان جا وجود دارد هم مکانی برای آشنایی بیشتر با داستان و کتاب است. در اتاق مجزایی هم «آدرینا» مشغول ساختن کاردستی به همراه یکی از مربیان مجموعه است و مادرش درحال گرفتن سلفی با عکس‌ها و نمادهایی است که برای او جنبه نوستالژی دارد. او با خنده می‌گوید: «دختر من قصه و بازی دوست دارد اما فکر می‌کنم برای خودم بیشتر نوستالژیک است. اینجا برای کودکانی که زندگی‌شان با تکنولوژی گره خورده جای خوبی است. من دوست دارم کودک من به این فضا نزدیک شود. بچه‌ها در این سن دوست دارند بروند توی قصه و فیلم‌ها و با آنها بازی کنند. اینجا به خاطر دیدن و لمس عروسک‌های بازی حس خوبی برای کودک دارد.» او که از غرب تهران خودش را به اینجا رسانده است از کمبود فضای آموزشی و فرهنگی برای کودکان می‌گوید: «مکان‌هایی که عروسک و بازی داشته باشند در تهران وجود دارد اما در شهری که خودش را دوستدار کودک می‌نامد، کمتر جایی هست که نمایش داشته باشد و یک نفر وقت بگذارد با بچه صحبت کند. مهدکودک برای بچه نمایش و قصه می‌گذارند اما یکی دو بار در سال و بیشتر جنبه مادی دارد و از والدین می‌خواهند بیایند در آنجا ثبت نام کنند تا فوق برنامه داشته باشند.»
در پایان به «دکانک» موزه کودکی می‌روم؛ جایی که کودکان می‌توانند با خرید اسباب بازی‌های قدیمی مانند «علی ورجه»، «عروسک مبارک قیفی»، «توپ و لیوان» یا عروسک‌های مناطق مختلف ایران یادگاری از بازدید در موزه داشته باشند.